

هند؛

قدرت اقتصادی رو به رشد آسیا

نوشته Dr. Hans - Georg Wieck سفیر سابق آلمان در ایران

ترجمه لادن مختاری

منبع Internationale Politik (3/1997)

صورت گیرد. هر یک از مسائل سیاست اصلاحات، در میان احزاب به بحث و جدل کشیده است اما به طور کلی همه قدرتهای سیاسی مهم کشور در آن سهمیندهند کشوری است که نهادهای دموکراتیک آن از اعتبار بالایی برخوردار می باشند و نمایندگان آنها به دلیل رواج رشوه خواری و فساد اداری با دید انتقادی مورد قضاوت قرار می گیرند. با این حال در مورد سیاست جدید اقتصادی تأمل کافی صورت گرفته بود و در سال ۱۹۸۰ «راجیو گاندی» آن را فعال ساخت اما هر بار پس از مدت کوتاهی به دلیل وجود قدرتهای سوسیالیست توانمند در حزب کنگره و نیز اهمیت استراتژیک اتحاد شوروی برای هند، روند این سیاست متوقف می گردید. این مانع پس از فروپاشی اتحاد شوروی از میان رفت. فرمان اجرای اصلاحات بی آنکه تمهیدات اصولی در ساختارهای سیاسی کشور و در بین عموم مردم فراهم شده باشد، در تابستان سال ۱۹۹۱ صادر شد. امروزه احزاب سیاسی بزرگ از این سیاست حمایت می کنند اما بیشتر مردم در مورد اقدامات منفرد و اهداف دراز مدت این سیاست از خود تفاهم نشان نمی دهند. دلیل آن که حزب کنگره در انتخابات پارلمانی بهار ۱۹۹۶ نتیجه ای تا آن حد نامطلوب به دست آورد آن بود که در استراتژی انتخاباتی خود کلاً بر موفقیت های سیاست اصلاحات اقتصادی تکیه کرده بود. هدف دولت «رائو» و نیز جانشین وی، بهبود روابط در زمینه سیاست امنیتی و سیاست خارجی با آمریکا، اروپا، ژاپن و چین، همچنین با فدراسیون روسیه و دولت های جانشین اتحاد شوروی در آسیای مرکزی و پس از مدتی نیز با دولت های همسایه آنها در جنوب آسیا بود. در برقراری مناسبات با غرب بویژه مسایل بنیادی از جمله تغییر ساختار جهان و شرایط مشارکت هندی در معاهده بین المللی عدم گسترش سلاح های هسته ای، توقف کامل آزمایش های هسته ای و نیز عدم ادامه انتقال تکنولوژی به کشورهای که در دور دست ها توانایی جذب این تکنولوژی را دارا می باشند، همچنان مورد بحث و مجادله است.

سال ۱۹۹۱ برای هندوستان مرحله ای اساسی در مسیر پیشرفت بود. با فروپاشی اتحاد شوروی روابط خاص هند و مسکو در زمینه های استراتژیک و اقتصادی به نقطه پایان خود رسید. هند به دلایل مختلف از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۱ در برابر بازار جهانی نوعی سیاست خودکفایی اقتصادی اتخاذ کرده بود. از دهه سال پیش برقراری روابط خاص اقتصادی بر مبنای ارزش ضعیف با مسکو و دولت های اروپای شرقی، نقش مکمل این سیاست را داشت. در تابستان ۱۹۹۱ تراز پرداخت های هند با بحران شدیدی مواجه شد و با وجود آن که ممکن بود این کشور از عهده تعهدات بین المللی خود برای پرداخت بارز قوی بر نیاید (ذخایر ارز خارجی هند به یک میلیارد دلار کاهش یافته بود) دولت اقلیت حزب کنگره که به تازگی به رهبری «ناراسیمهارائو» (Narasimha Rao) و با وزارت دارایی، «مانموهان سینگ» (Manmohan Singh) بر سر کار آمده بود ناگزیر شد برای مقابله با آن دست به اقدامات مؤثر و ضربتی بزند.

اما دولت از این موقعیت استفاده کرد تا جهت گیری جدید و گسترده ای را در سیاست اقتصادی و خارجی بی ریزد. دولت حزب کنگره، سیاست خودکفایی را در جنبه های داخلی و خارجی آن کنار گذاشت. هدف آن بود که اقتصاد خصوصی از بند محدودیت های دولتی آزاد شود، بازار سرمایه فعال گردد، از امتیازها و حقوق انحصاری بخش عمومی کاسته شود و نوعی سیاست اقتصادی اتخاذ گردد که درهای کشور را به روی جهان خارج باز نماید. این اقدامات نه به طور ناگهانی و به صورت یک شوک اقتصادی، بلکه گام به گام به اجرا گذاشته شد.

امروزه دولت اقلیت «جبهه متحد» به رهبری نخست وزیر «دوه گودا» (Deve Gowda) سیاست انتقال مرحله به مرحله به اقتصاد را ادامه می دهد که در بسیاری از خرد ادهای اقتصادی جهان مشارکت خواهد داشت، هر چند کاهش بودجه در برخی موارد و شاید ائتلاف پر در دسر ۱۳ حزب برای تشکیل دولت موجب شده باشد نسبت به سابق تلاش کمتری

گسترده در جهان به رسمیت شناخته شده است. دولت (ناراسیمهارائو) و «مانموهان سینگ» با اقدامات اصلاحی مرحله‌ای اما هدفمند، اقتصاد هند را از قیدوبندهای سختی رها ساخت که با هدایت و کنترل تولید و قیمت‌ها از سوی دولت (که به بخش دولتی امتیاز می‌داد) بردست و بای اقتصاد این کشور بسته شده بود. مراحل مهمی که در جهت رشد مؤثر اقتصاد و ایجاد توان رقابت هند در بازار جهانی صورت گرفته است، شامل کاهش ارزش روبیه، ایجاد قابلیت تبدیل مرحله‌ای و کامل در نظام ارزی هند، لغو مقررات صدور پروانه برای کارخانه‌های داخلی و خارجی، آزادی دادوستد سرمایه و بویژه بهسازی بودجه رسمی با هدف کاهش تورم به کمتر از ۸ درصد و تقلیل پذیرش اعتبارات رسمی می‌باشد. اما دولت هند هنوز نتوانسته است معضل دشوار کارخانه‌های «ناتوان» و «بیماری» را که در دست دولت قرار دارند، حل کند. در دهه گذشته دولت هند اداره آن دسته از کارخانه‌های خصوصی را که ورشکست شده بودند و به دلایل سیاست بازار کار، اجازه تعطیل نداشتند، خود به دست گرفت. خسارات وارده به کمک منابع دولتی یا اعتبارات ترجیحی، به نفع کارخانه‌های دولتی متوازن می‌گردید و به این ترتیب این کارخانه‌ها به طور مصنوعی سرپا می‌ماندند. امروزه حدود ۲۲۰ هزار کارخانه «بیمار» با مجموع حدود ۶ میلیارد دلار بدهی که از بازپرداخت آن نیز ناتوانند روی دست دولت مانده است. در صنایع دولتی حدود دو میلیون نفر و در صنایع خصوصی بیش از ۷ میلیون نفر مشغول کارند.

دولت‌های غربی، صندوق بین‌المللی پول و شرکتهای که ابتدا در خرید به سر می‌بردند به سیاست اصلاحات هند اعتماد کردند. به دلیل دهه‌ها سال بسته بودن اقتصاد هند به روی بازار جهانی و سیاست عدم تعهد انتقاد آمیز هند در برابر غرب، نه تنها اقتصاد هند چندان شناخته شده نبود بلکه اغلب پایتخت‌های غربی نیز هیچ‌گونه اعتمادی به این دولت نداشتند. در دوران اقتصاد ارشادی مبتنی بر کنترل دولت بر قیمت‌ها و تولید، نرخ رشد اقتصاد هندوستان در بهترین زمان ۵ درصد بود. اما حال پس از یک آغاز تدریجی و ملایم در اوایل دهه ۱۹۹۰، از سال ۱۹۹۴ نرخ رشد اقتصادی این کشور به حدود ۶ درصد رسیده و ممکن است باز هم افزایش یابد. نرخ تورم به کمتر از ۸ درصد و کسری بودجه به حدود ۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. و منابع ارزی نیز در حدود ۱۷ میلیارد دلار تثبیت شده است.

بی‌هیچ محدودیتی می‌توان گفت که سیاست اصلاحات از سال ۱۹۹۱ توان فوق‌العاده‌ای را در کشور و بویژه در شرکتهای آزاد کرده است. به عنوان نمونه‌های برجسته می‌توان از صنایع نرم افزار بنگلو / کارناتاگانام برد که مشتریهای عمده‌ای در سطح جهان دارد و اغلب تولیدکنندگان بین‌المللی در عرصه داده‌پرداز دیجیتال از جمله زیمنس در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تولیدات هند هر چه بیشتر از نظر قیمت و کیفیت به سطح جهانی رسیده است. هند برای نیروگاه‌های برق در نقاط مختلف جهان، توربین صادر می‌کند و شمار بسیاری مهندس و تکنسین در اختیار دارد. اخلاق کار در خارج از بخش دولتی وضع مطلوبی دارد. ظرفیت افزایش صادرات در سطح بالایی است و نمی‌توان از آن چشم‌پوشید. امروزه هند ۴۰ درصد معاملات تجارت خارجی خود را با کشورهای اتحادیه اروپا و بازم جمله و در

هندشش سال پس از اجرای سیاست اصلاحات در مقایسه با دوران سلطه چهل ساله سیاست خودکفایی اقتصادی در فضای به نسبت محدودتری قرار گرفته است. از این رو، امروزه در مورد موفقیت یا ناکامی سیاست اصلاحات تنهایی توان داورى مقطعی کرد. اما باید این پرسش‌ها مطرح نمود:

۱- سیاست جدید هند توسط کدامیک از قدرتهای اقتصادی طرح ریزی شده است؟

۲- واکنش بازار جهانی و قدرتهای ذینفوذ در آن، در برابر سیاست آزادسازی اقتصادی هند و جهت‌گیری جدید سیاست خارجی این کشور چیست؟

۳- آزادسازی اقتصاد هند برای غلبه بر مسایل اجتماعی که این کشور با داشتن ۳۰ درصد از تهیدست‌ترین مردمان و ۲/۱ درصد شدسالانه جمعیت و ۵۰ درصد باسواد در کل مردم کشور باید بر آنها فایز آید، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

مسایل مهمی چون آلودگی محیط زیست، رشد حلبی آبادها در شهرهای میلیونی و وجود کمبود در تسهیلات زیربنایی کشور (شبکه راهها، بهداشت و درمان، آموزش، تأمین آب و برق) با این موضوع ارتباط مستقیم دارد.

پیشینه ده ساله سیاست خودکفایی را از نظر اجتماعی و اقتصادی و با توجه به اوضاع رقبت‌انگیز و زیرساخت‌های ناکافی نمی‌توان موفقیت آمیز دانست. بر اساس خط مشی بهبود توزیع درآمد، مردم فقیر تغذیه می‌شوند، اما در نتیجه این راهکار فقر با اجرای یک سیاست ساختاری مناسب از سطح جامعه بر چیده نمی‌شود.

تجربه هند در زمینه اجرای سیاست خودکفایی اقتصادی به زبان ارقام چنین است:

- ۶۲ درصد مردم شاغل در روستاها به سر می‌برند، اما تنها ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور در روستا حاصل می‌شود.

- ۱۲/۵ درصد شاغلان در بخش صنعت به کار مشغولند و حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی حاصل کار آنهاست.

- ۲۵ درصد شاغلان در بخش خدمات مشغول به کارند و ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی به دست آنها حاصل می‌شود.

- بیش از ۱۸ میلیون نفر در بخش دولتی و نیز راه آهن، پست و تلگراف، بانک، بیمه و نیروهای مسلح اشتغال دارند.

- تجارت خارجی با غرب نقش حاشیه‌ای دارد و باید در چارچوب سیاست جدید بر سهم آن افزوده شود. سهم هند در تجارت جهانی در سال ۱۹۶۰ به ۱/۲ درصد و در سال ۱۹۹۰ به ۰/۵ درصد کاهش یافت. بدهی‌های خارجی این کشور نیز در سال ۱۹۹۰ به حدود ۶۰ میلیارد دلار بالغ گردید. اقتصاد هند تا حد زیادی به اعتبارات خارجی سودآوری وابسته است که سازمانهای بین‌المللی و دولتها برای آن منظور می‌نمایند.

نتایج موفقیت سیاست اصلاحات

اصلاحات، ظرفیت کارخانه‌ها را در کشور آزاد کرده و این امر به طور

اعتقاد بسیاری از تحلیلگران ناگزیر در مسیر گسترش دموکراسی قرار خواهند گرفت پایین تر از حد واقعی آن ارزیابی می کنند.

عوامل مزاحم: فقر و رشد جمعیت

شایع است که هند در سطح متوسطی قرار دارد و به دلیل آموزشهای تخصصی و کارشناسی مطلوب و تسلط به زبان انگلیسی در شرایط جدید، حاصل از اجرای اصلاحات اقتصادی اخیر، امکانات اقتصادی جدید، اشتغال زا و امید آفرینی را از نظر توسعه اقتصادی کسب کرده است. کشاورزان مناطق آبیاری شده و قابل کشت از سال ۱۹۷۰ و همچنین بخش عمده‌ای از طبقات و کاست‌های پایین جامعه که با قانون اساسی سال ۱۹۵۰ آزاد شدند و امروزه جزو شهر و ندان محسوب می گردند، در سطح متوسطی قرار دارند. البته با مشاهده «قبایل فهرست شده»، یعنی همان ایالات روستائین نمی توان به چنین برداشتی رسید. ۲۰ درصد مردم از طبقه متوسط جامعه می باشند. با وجود کاهش نسبت جمعیت زیر خط فقر در هند که ظرف ۱۰ سال اخیر از ۵۰ درصد به ۳۰ درصد رسیده است تعداد آنان به ۳۰۰ میلیون نفر افزایش یافته است. نیم دیگر مردم نیز در بهترین حالت، از کمترین امکانات برخوردارند. طرح سوسیالیسم نهر و مینی بر کسب درآمد از طریق صنعت گستری شتابان که هدف از آن ایجاد حداقل رفاه در مناطق فقیر زده از طریق توزیع عادلانه درآمد بود به شکست انجامید. با وجود آنکه امکان تغذیه مردم از سال ۱۹۷۰ و به کمک تولیدات کشاورزی داخلی وجود داشت و همچنان وجود دارد، با وجود آن که می شد میزان مرگ و میر کودکان را با اجرای سیاست خدمات درمانی در سطح کشور به میزان معتدلی کاهش داد، اما هنوز فقر گزنده از روستاها رخت بر بسته است. نه تنها وجود فساد در استفاده از منابع مالی که برای این اهداف اختصاص یافته، بلکه روابط خاص مرسوم در روستاهایی که به اراده زمینداران اداره می شوند نیز سده این اصلاحات بوده است و همچنان می باشد. گذشته از این در حق زنان و دختران بویژه در زمینه‌های آموزشی تبعیض روا داشته می شود. با تغییر قانون اساسی در سال ۱۹۹۳ در مورد خودگردانی محلی (Panchayat Raj)، همکاری مردم بی زمین تثبیت شد و قانون دخالت شمار مشخصی از زنان در خودگردانی محلی نیز تصویب گردید. اگر این مقررات اجرا شود و از دستکاری یا تغییر در امان بماند، دیر یا زود روابط و مناسبات زندگی را تغییر خواهد داد. این روند را می توان با حذف قانون جدایی نژادها در کشورهای آمریکای جنوبی در سال‌های ۶۰-۱۹۵۰ و غلبه بر آپارتاید در آفریقای جنوبی پس از سال ۱۹۹۰ مقایسه کرد. برای بهبود این روند می توان از نفوذ دولت در بانکهای تعاونی روستایی جلوگیری به عمل آورد. تعاونی غیر دولتی شیر که با اعتبارات مالی اروپا در سال ۱۹۷۰ در اتحادیه دولتی گجرات تشکیل شد، امروزه بیش از ۷/۵ میلیون نفر عضو دارد و می تواند در اقتصاد تجاری هند در زمینه شیر به جایگاه غالبی دست یابد. اگر بر مبنای قانون تفاوت‌های اجتماعی و موروثی مردم روستایی در روند تصمیم گیری سیاسی از بین برود و تصمیمات با مشارکت همه به اجرا درآید، قدرتهایی در حوزه اجتماعی و شخصی پدید

درجه نخست با آلمان انجام می دهد. آمریکاییان از آلمان بزرگترین طرف تجاری هند است. ژاپن بی وقفه و با شتاب موقعیت خود را تثبیت می کند و از چند سال پیش در زمینه همکاریهای توسعه، پیش از آلمان مقام اول را در میان طرفهای هند احراز کرده است. هند بر حجم تجارت با جنوب شرق آسیا و آفریقای جنوبی و همچنین با دولتهای پیرامون خلیج فارس نیز افزوده است. طرح «آسیا» که از سوی آلمان ارائه شده است و همچنین فعالیتهای کمیسون آسیا-اقیانوس آرام که از سال ۱۹۹۳ در زمینه مسایل اقتصادی در آلمان تشکیل شد، جنوب آسیا را در بر رسیهای این کشور کرده اند. هند در اجلاس سران دولتهای آسیا-اروپا که نخستین بار در مارس ۱۹۹۶ در بانکوک تشکیل شد، طرف مشورت قرار نگرفت. دولتهای آسیایی (آسه آن، چین، ژاپن، کره جنوبی) مخالف شرکت هند در این اجلاس بودند. این مقاومت به صورت‌های مختلفی تفسیر شده است برخی آن را ناشی از ترس از تحمیل این مشورت به دلیل تشنجات هند-پاکستان می دانند و برخی دیگر استدلال می کنند که هند هنوز به سطحی از پیشرفت اقتصادی دست نیافته است که بتوان آن را با دیگر دولتهای آسیایی مقایسه کرد؛ و سرانجام گفته شده است که در برقراری ارتباط میان آسیایهای پیرامون (اقیانوس آرام) و آسیایهای «شبه جزیره هند» مشکلاتی وجود دارد.

صنعت هند سالانه حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد و تجارت خارجی آن با کمی کاهش نزدیک به ۱۵ تا ۲۰ درصد شد دارد. تجارت خارجی هند در سال ۱۹۹۶ به حجمی حدود ۶۰ میلیارد دلار بالغ گردید که سهم آلمان در آن حدود ۱۰ میلیارد دلار بود. آلمان پس از آمریکا در زمینه همکاریهای علمی-فنی با هند مقام دوم را دارا می باشد و البته از لحاظ سرمایه گذاریهای مستقیم در خاک هندوستان در جایگاه هفتم قرار دارد. سرمایه گذاریهای خارجی با وجود تلاش هر ساله دولت هند هنوز به سطح ۱۰ میلیارد دلار نرسیده است و حداکثر به دو میلیارد دلار در تولیدات واقعی بالغ می گردد.

در بررسی قابل مقایسه دیگری که در سال ۱۹۹۶ از سوی اتاق صنایع و بازرگانی آلمان در مورد وضعیت سرمایه گذاری در چین، هند و اندونزی از دیدگاه شرکتهای آلمانی صورت گرفت هند پیش از چین و در مکان دوم جای داشت. ۳ در این پژوهش که کلیه عوامل تصمیم گیری در زمینه سرمایه گذاری مد نظر قرار گرفته بود هند از لحاظ «چارچوب شرایط اقتصادی» (رشد اقتصاد، سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی، ظرفیت آینده بازار) و نیز از حیث «توسعه سیاسی» (ثبات سیاسی، حجم و سرعت اصلاحات اقتصادی، خطر بازگشت اصلاحات، بدهیهای دولت) جایگاه سوم احراز کرد. این کشور از نظر «شاخصهای حقوقی»، «مقایسه کل هزینه‌ها»، «اقتصاد مردمی»، «نفوذ فرهنگی» و نیز «خطر شکست سرمایه گذاریهای مستقیم» مقام اول را دارا است. برداشت حیرت انگیز و به نسبت نامطلوب شرکت‌های آلمانی در مورد توسعه سیاسی هند را می توان چنین توضیح داد: سیاست اصلاحات، بتازگی یعنی از سال ۱۹۹۱ به اجرا درآمده و به طور مرحله‌ای پیش می رود. طبیعی است چنین سیاستی با فراز و نشیبهای يك جامعه باز و با کارکرد دموکراسی در آن به طور سطحی «تحت فشار» قرار گیرد. این شرکتها خطر متوسط ثبات سیاسی نظامهای استبدادی (اندونزی) و رژیمهای سیاسی تک حزبی (چین) را که به

تجارت ترجیحی جنوب آسیا^۵ به سیر تازه‌ای گام نهاد که بر اساس آن باید در سال ۲۰۰۰ «سازمان تجارت آزاد جنوب آسیا»^۶ را تشکیل دهد. در این صورت حداکثر باید سهم تجارت داخلی «جامعه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا» از ۱۲ درصد کل تجارت خارجی منطقه در آن زمان به ۱۵ درصد افزایش یابد. حجم تجارت اعضای آسه آن بایکدیگر بالغ بر ۱۸ درصد تجارت خارجی دولتهای عضو می‌باشد این رقم در اتحادیه اروپا حتی به ۵۰ درصد رسیده است.

امروزه دهلی نو با اتخاذ «سیاست حسن همجواری» در برابر دیگر دولتهای عضو اتحاد منطقه‌ای از سیاست وحدت اقتصادی جنوب آسیا حمایت می‌کند. (این کشورها شامل بنگلادش، سریلانکا، بوتان، نپال همچنین مالدیو و پاکستان می‌باشند). ثمرات این سیاست در قبال اسلام آباد تنها طی یک دوره تکامل طولانی به دست خواهد آمد و این دولتها تنها به طور مشروط از یک سیاست مخالف دست کشیده‌اند.

روزنامه «واشینگتن پست» در ۲۷ دسامبر ۱۹۹۶، تأکید سیاست خارجی جدید و منطقه‌ای هند را که با امضای موافقتنامه‌ای در ۱۲ دسامبر همان سال با بنگلادش در زمینه استفاده از آبهای جاری کاملاً آشکار گردید، با این عبارات تفسیر کرد: «هم‌اکنون شاهد نشانه‌های اتخاذ یک سیاست درازمدت از سوی هند هستیم، سیاستی که از مدتها پیش جای آن در این شبه جزیره جنوب آسیا خالی بود. در ماههای اخیر هند بویژه به دلیل مقاومت در برابر معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای و قدرت‌نمایی در کشمیر در سطح بین‌المللی مطرح گردیده است. اگر موافقتنامه آبهای جاری نمونه‌ای از برخورد دولت نخست‌وزیر «گودا» باشد، مشاهده دیگر نمونه‌ها از چنین رفتاری با استقبال بسیار روبرو خواهد شد».

یادداشت‌ها

۱. مقایسه کنید با نتایج نظرسنجی مؤسسه جنوب آسیا (پروفسور دکتر «زوبراتامیترا») از ۱۰ هزار نفر از مردم هند در سال ۱۹۹۶ با عنوان «انتخابات و دموکراسی» که در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۷ طی یک سخنرانی در مؤسسه جنوب آسیا در شهر هایدلبرگ مطرح گردید.
۲. مقایسه کنید با:

Christian Rieger, "Die Liberalisierung der Wirtschaft", in Dietmar Rothermund (Hrsg.) **Handbuch Indien**, München 1995, S524-536.

۳. مقایسه کنید با:

"Direktinvestitionen in China, Indien und Indonesien", bearbeitet von Reinhard Geissbauer und Hayo Siemsen herausgegeben vom Asien- Pazitik- Ausschuß der Deutschen Wirtschaft und vom DIHT, Bonn 1996.

4. SAARC = South Asian Association of Reginal Cooperation.

5. South Asian Preperential Trade Agreement.

6. SEFTA = South Asia Free Trade Area.

می‌آید که زندگی در روستاها را حتی در زمین‌های نامساعد ممکن می‌سازد. فقر فراگیر و مناسبات نادرست اجتماعی را نمی‌توان در کوتاه مدت از بین برد. برای خودگردانی روستاها نیز به طور کلی همان بُعد اقتصاد مردمی یعنی آزاد گذاشتن ابتکارات و تمایلات شخصی برای کسب درآمد، ضمن افزایش ارزش حائز اهمیت است.

قدرت اقتصادی آسیا؟

هند که در همه بخش‌ها چندفرهنگی است، نه تنها دارای نظامی دموکراتیک است بلکه بر اساس قوانین همین نظام اداره می‌شود که شاید گاه جنبه نامطلوب آن بیش از جنبه حقوقی‌اش باشد. نقاط ضعف این کشور فساد مالی، دیوانسالاری و کمبود در مناطق فقیرزده است. هندی می‌تواند بدون توجه به ناآرامیهای محلی برای کسب خودمختاری، به دفاع از سازمانهای دموکراتیک خود در برابر تمایلات استبدادی برخیزد. البته صرف نظر از فراز و نشیبهای روزانه در عقاید دموکراتیک و روندهای تصمیم‌گیری، هند به لحاظ سیاسی کشوری باثبات است.

هندوستان با گذر از نقطه عطف حیات خود در سال ۱۹۹۱ به یمن وسعت و ظرفیت رشد خود به صورت یک رقیب حائز اهمیت در حوزه اقتصاد در آمده است، رقیبی که صرف نظر از نقش بسیار ضعیفی که در نظام اقتصاد جهانی دارد از نظر مدیریت کارخانه‌های بزرگ و متوسط به طور فزاینده‌مورد توجه قرار می‌گیرد. به منظور توسعه ظرفیت اقتصادی، همکاری فعال و سازنده دولت هند با سازمانهایی که از نظر بین‌المللی حائز اهمیتند (سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی) ضرورت کامل دارد. اتخاذ نوعی سیاست قدرت تهاجمی در منطقه با همان سبک و سیاق قدیمی که گاه دولتهای هند به کار می‌گرفتند، مناسب چنین «دورنمای بین‌المللی» مبتنی بر همکاری نیست.

مواضع هند در مسائل اساسی بین‌المللی (معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای و منع کامل آزمایشهای هسته‌ای) نشان دهنده اتخاذ نوعی سیاست قدرت توسعه طلبانه نیست؛ این خط مشی‌ها حاصل مواضع تدافعی هند در برابر انحصار هسته‌ای در دست پنج قدرت هسته‌ای است که یکی از آنها چین، همسایه هند است که در مقایسه با این کشور از جایگاه بین‌المللی ممتازی برخوردار است (عضو دائم شورای امنیت و یک قدرت هسته‌ای به رسمیت شناخته شده). برای رفع خطر اصولی ناشی از این اختلاف موقعیت، هند هدف استراتژیک سیاست خارجی را مد نظر قرار داده است که البته از هیچ راه دیگری به جز همکاری بین‌المللی قابل دستیابی نیست. هند با ادامه سیاست اصلاحات اقتصادی و برآوردهای امیدآفرین برای غلبه بر تشنجات اجتماعی داخلی به سوی تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی دموکراتیک در آسیا گام برمی‌دارد.

«جامعه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا»^۴ پس از یک خواب طولانی بار دیگر حیات تازه‌ای یافته است. این سازمان در سال ۱۹۹۶ با «موافقتنامه